

علت تفرقه افکنی میان شیعه و سنی

هجوم بیگانگان و استعمارگران و تلاش آن‌ها برای عقب نگاه داشتن کشورهای جهان اسلام برای استثمار منابع انسانی و طبیعی و تداوم سلطه‌ی غرب بر این کشورها با سرکار آوردن حکام فاسد و دست نشانده و سرگرم کردن مسلمانان به تفرقه و جنگ‌های داخلی و جانشین ساختن شعارهای استعماری هم‌چون، ناسیونالیسم، پان عربیسم برای آنان کارساز بوده است. آن‌ها با عمق بخشیدن به شکاف‌های موجود بین مسلمانان؛ و دامن زدن به تعصب‌های قومی و مذهبی؛ و حمله به باورهای یک گروه به بهانه‌ی حمایت از عقاید گروه دیگر، اتحاد و یکپارچگی مسلمانان درهم شکسته و آنان را سرگرم این گونه درگیری‌ها کرده و افکار آنان را از مسایل اصلی منحرف سازند.



رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «در این کار، انگلیسی‌ها از بقیه‌ی دشمنان استعماری، متبخرترند؛ در ایران، ترکیه و کشورهای عربی و در شبه قاره‌ی هند، این‌ها سال‌ها زندگی کرده‌اند و با رموز کار آشنا هستند

که چگونه می‌شود سنی را علیه شیعه تحریک کرد و چگونه می‌شود شیعه را علیه سنی تحریک کرد، این‌ها خوب بلدند و کرده‌اند. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت استعماری شدت گرفت ... به خاطر این که جمهوری اسلامی توانست یک هدف بزرگی را به دست آورد و به یک قله‌ی بزرگی برسد و آن قله عبارت بود از «بیداری دنیای اسلام»، انگیزه و داعیه‌ی اختلاف افکنان و جبهه‌ی استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قوی‌تر شد» [۳] البته این اختلاف افکنی فقط به مسأله‌ی شیعه و سنی معطوف نمی‌شود بلکه گاهی این اختلاف‌ها بین مذاهب اهل سنت و گاهی از اختلاف‌ها بین مذاهب تشیع و گاهی هم از اختلاف‌های قومی قبیله‌ای نمایان می‌شود.

اختلاف‌ها میان مسلمانان یکی از علل عقب ماندگی

بدون شک یکی از عوامل مهم در عدم پیشرفت مسلمانان در سده‌های اخیر، اختلاف‌های قومی و مذهبی بوده است. وقتی جهان وارد هزاره‌ی دوم میلادی شد، مسلمانان به عنوان ابرقدرت محسوب شده و حاکمان آن‌ها در جامعه‌ی جهانی برترین و شهرهای آن‌ها مرکز علم و تجارت بودند. دانشمندان مسلمان نیز به عنوان صاحبان علم و صنعت مغزهای متفکر عصر به شمار می‌آمدند و جهان اسلام مرکز فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان بوده است. اما آن شوکت و عظمت مسلمانان چه شد؟ چرا در قرن حاضر نمی‌توانیم شاهد آن عظمت اسلامی باشیم؟ تاریخ اسلام نشان می‌دهد به همان نسبت که جوامع مسلمانان برای دستیابی به علم و توسعه برای تقویت دنیای اسلام تلاش کردند، اختلاف مذهبی و قومی، بخش عظیمی از انرژی امت را برای خود صرف کرده است.

علت مهم در عقب ماندگی مسلمانان وجود همین اختلاف‌های بی‌نتیجه بوده است. تردیدی نیست که اگر مسلمانان از تعالیم وحی فاصله نمی‌گرفتند و قوام سیاسی و وحدت اجتماعی خود را حفظ می‌کردند، به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست پیدا می‌کردند. مسلمانان اگر به جای درگیری‌های بی‌پهوده و اتلاف منابع خود، دست وحدت به یک‌دیگر بدهند و به ریسمان الهی چنگ بزنند، اینک نیز می‌توانند قدرتی بزرگ با

امکاناتی وسیع در سطح جهان باشند و با چند برنامه و استفاده از استعدادها، از نظر فن‌آوری نیز به رقابت با دیگران بپردازند.

اتحاد دشمنان اسلام با یکدیگر

اتحاد و یکپارچگی اثر معجز آمیزی در پیشرفت اهداف، سربلندی و پیروزی اجتماع‌ها دارد. هیچ موضوعی هم چون اتحاد و انسجام اقوام و ملت‌ها اثربخش نیست. وحدت کلمه، هم‌دلی و هم‌رنگی دشمنان مسلمانان حاکی از این نکته است که آنان به‌خوبی از این مسأله آگاه هستند و اسلام را دشمن مشترک دانسته و آن را یگانه مانع در برابر سلطه‌ی استکباری خود می‌دانند از این رو با تمام اختلاف‌های دینی و ایدئولوژیکی، نژادی، منطقه‌ای و سیاسی در تمام جوانب در حال نزدیک شدن به هم هستند و با یکدیگر برای از بین بردن اسلام یک کاسه شده‌اند.

به عنوان مثال نزدیک شدن مذاهب مسیحی به یکدیگر با توجه به اختلاف مذهبی شدیدی که میان کاتولیک و پروتستان هست و همچنین نزدیک شدن یهودیان و مسیحیان با وجود دشمنی تاریخی و مذهبی تا آن جا که یکی از عوامل مهم مصلوب شدن مسیح را اهل یهود می‌دانند و اتحاد کشورهای اروپایی با یکدیگر با وجود جنگ‌ها، کشتارها و درگیری‌های قومی، سیاسی و ایدئولوژیکی که بین کشورهای اروپایی وجود داشته همه و همه حاکی از این اتحاد شوم می‌باشد